

خشونت خانگی و ناباروری



عکس: DeeAshley

مژگان میراشراقی - مددکار اجتماعی

زنان در همه جای دنیا و از هر طبقه ای، با احتمال بیشتری نسبت به مردان با خطر خشونت خانگی مواجه هستند. بر پایه نتایج تحقیقی ملی که به تازگی اعلام شده است ۶۶ درصد از زنان ایرانی قربانی خشونت خانگی می باشند و ۳۵ درصد از زنان ایرانی خشونت را در سال اول ازدواج خود تجربه کرده اند. یکی از اولین تجربه های تلخ زوجین در سال های اولیه ازدواج، که زندگی زن را در سایه خشونت قرار می دهد، مواجه شدن با مسئله ای به نام ناباروری است.

بر اساس تعاریف پزشکی، ناباروری، عدم حاملگی زوجه به دنبال یک سال رابطه جنسی منظم و بدون پیشگیری است. نتایج مطالعات شیوع ناباروری در سال ۳۸۳۱-۴۸۳۱ نشان می دهد ۴۲/۹ درصد زوجین ایرانی در طول دوره باروری با این پدیده مواجه هستند. اما مسئله ناباروری به خودی خود تنها مشکل زوجین نمی باشد بلکه، زوج نابارور تحت تاثیر ناباروری و باقی ماندن در گذرگاه نقش همسری به والدی ممکن است فشارهای روانی و اجتماعی بسیاری را تجربه کنند. تغییرات احساسی که به صورت های خشم، ترس، ناامیدی، سرزنش خود، احساس گناه، اضطراب و افسردگی ظاهر می شود بر رابطه عاطفی زوج تاثیر می گذارد و در بسیاری از موارد، با توجه به وجود فرهنگ مردسالارانه، زوجه را در معرض خشونت خانگی قرار می دهد. گاهی نیز باقی ماندن در یک رابطه خشن نه تنها زن را در معرض آزارهای جسمانی، روانی، کلامی و جنسی قرار می دهد، بلکه در نهایت آرزوهای یک زن را در خود دفن می کند.

فاطمه و شوهرش در یکی از شهرهای کوچک زندگی می کردند، ۲ سال از زندگی شان می گذرد و می بینند که حاملگی اتفاق نمی افتد. زن به پزشک زنان مراجعه می کند. آزمایش و بررسی های بسیار زیادی انجام می گیرد تا اینکه پزشک به فاطمه می گوید مورد خاصی وجود ندارد و برای بررسی بیشتر لازم است که شوهرش هم مراجعه کند.

شوهر از شنیدن این موضوع بسیار ناراحت و عصبانی شده و به فاطمه می گوید: "من هیچ مشکلی ندارم این تو هستی که نمی توانی بچه دار شوی." وقتی که زن طبق خواسته پزشک از شوهرش می خواهد که آزمایش اسپرموگرام دهد و او نتیجه را به پزشک خواهد داد، اوضاع از قبل بدتر و بدتر می شود تا جایی که به دلیل اصرارهایش کتک بسیار سختی از شوهرش می خورد.

وقتی که فاطمه از مشارکت شوهرش در بررسی پزشکی ناامید می شود، از پزشک زنان می خواهد که درمانی برای او تجویز کند و او با اینکه هیچ مشکلی ندارد، چندین دوره داروهای تقویت تخمک گذاری که عوارض بسیار زیادی هم دارد مصرف می کند تا شاید بتواند بارداری را تجربه کند ولی تمامی این تلاش های یک طرفه او بی نتیجه می ماند.

پس از سال ها زخم زبان شنیدن، فشارها و مداخله دیگران و حتی تحمل خانواده شوهر که برای ازدواج دوباره شوهرش تلاش می کردند، حالا که به سن 42 سالگی رسیده است، شوهرش رضایت داده که درمان ناباروری را شروع کنند. وقتی برای گرفتن نتیجه آزمایشات به

پزشک مراجعه کرده بودند، پزشک تشخیص داد که شوهرش دچار ضعف حرکتی اسپرم است و می شود با درمان میکرو اینجکشن به لقاح بهتر با تخمک در محیط آزمایشگاه کمک کرد و سپس جنین حاصله را به رحم زن منتقل کرد، ولی این زمان دیگر برای زن که باید تخمک گذاری مناسبی داشته باشد خیلی دیر شده و زن به دلیل سن بالا، مصرف داروهای تخمک گذاری مکرر، دچار ضعف تخمدان شده و امکان درمان با تخمک خود را ندارد.

حالا که شوهرش رضایت به درمان داده، دوره باروری خودش رو به پایان و نابارور شده است و زمان طلایی مادر شدن را به دلیل مخالفت شوهر برای درمان از دست داده است.

فاطمه باید با این سوگ (سوگ فقدان قدرت باروری) کنار آمده به پذیرش واقعیت برسد و برای ادامه درمان با تخمک اهدایی تصمیم بگیرد.

روایت فقدان قدرت باروری فاطمه، داستان بسیاری از زنانی است که با مسئله ناباروری در زندگی خود روبرو هستند. با اینکه مشکل ناباروری می تواند مربوط به هریک از زوجین باشد اما بعلت بستر فرهنگ مرد سالارانه در جامعه ایران همواره نوک پیکان ناباروری به سوی زن می باشد. این زنان هستند که همواره "نازا" خطاب می شوند و مورد هجوم طیف گسترده ای از انواع آزارهای کلامی، مانند: سرزنش و زخم زبان ها از طرف شوهر و به ویژه خانواده همسر روبرومی شوند و مقصر قلمداد می گردند.

هرچه مدت بچه دار نشدن طولانی تر می شود گویی این فشار اجتماعی نیز بیشتر شده و زوج در مناسبت های خاص، مثل روز مادر، روز پدر، عید نوروز و روز اول مهر و بازگشایی مدارس بیشتر و بیشتر تنهایی را احساس می کنند. بسیاری از مردان راه حل را در تجدید فراش می بینند و یا تن به ازدواج موقت می دهند تا از "اجاق کور" قلمداد شدنشان، جلوگیری کنند. بسیاری از زنان تحت فشار شوهر و یا خانواده همسر و اطرافیان به طلاق رضایت می دهند و برخلاف خواسته خود از تمامی حقوق خود مانند مهریه می گذرند.

اما خشونت بر علیه زنان نابارور تنها به آزارهای کلامی، روانی و همچنین از دست دادن حقوق زنشویی خود تحت فشار همسر و اطرافیان، محدود نمی شود. بسیاری از زنانی که در مسیر درمان ناباروری به مانند فاطمه می باشند، بارها آزارهای جسمانی و جنسی را نیز تجربه می کنند. بسیاری از زنان ناباور در مراکز درمان ناباروری اظهار کرده اند، زمانی که از همسر خود درخواست می کنند که برای درمان با آنها همکاری کنند همچون فاطمه با خشم و عصبانیت مرد روبرو شده اند و در جواب کتک خورده اند. بسیاری از آنان به دلیل آنکه خود را مقصر ناباروری می دانند تن به خواسته های نامتعارف جنسی شوهرانشان داده و مورد انواع آزارهای جنسی قرار می گیرند.

در بسیاری از اوقات روبرو شدن با فقدان باروری برای مردان، بسیار دردناک می باشد، لذا بسیاری از آنان حاضر به مراجعه به پزشک حتی به منظور ارزیابی اولیه پزشکی نیز نیستند. باور فرهنگی غلط نسبت به نداشتن مردانگی در صورت عدم باروری موجب می گردد غم و درد فقدان باروری را به شکل خشم و عصبانیت معطوف به زن کنند. زنان در بسیاری از موارد مانند فاطمه، مجبورند که بار سنگین و طولانی درمان را به دلیل عدم مشارکت شوهران در طول درمان، خود به تنهایی به دوش بکشند. چنانچه نیز درمان یک طرفه و یک جانبه با عدم موفقیت روبرو شد، بازهم به عنوان مقصر اصلی ناباروری مورد خشم و غضب شوهر متوجه آنان شده و مورد خشونت خانگی قرار می گیرند.

بسیاری از زنانی که با مسئله ناباروری در طول زندگی مشترک خود دست و پنجه نرم می کنند، قربانیان خاموش خشونت های خانگی می باشند. آنان بارها و بارها تحقیر، توهین، حتاکی و آزارهای جسمی و جنسی را علاوه بر استرس های ناشی از درمان های طولانی ناباروری تحمل می کنند و گاهی نیز به مانند فاطمه آرزوی شان برای فرزندآوری، قربانی خودخواهی شوهر و باورهای غلط فرهنگی مرد سالارانه جامعه می گردد و در سینه شان دفن می شود.

منابع: <http://goo.gl/RsHv8l>

ایزدیار، نسرين، حمایت روانی اجتماعی در طول درمان ناباروری